

بررسی الهی‌نامه عطار بر اساس نظریه ارتباطی و کارکردهای زبانی یاکوبسن

عاطفه عزیزی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱

بتول فخر اسلام**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱

چکیده

عطار با شناختی که از خود، خدا، خلق و خلقت دارد و با بهره بردن از قدرت نامحدود قلم و سخن به شرح ادراکات و شهودات خود پرداخته است. انتخاب زبان شعر و هنر به او مدد رسانده است تا گفتنی‌های خود را مؤثرتر بیان کند. با نظر به اینکه او از برجسته‌ترین شاعران عارف است که بر شعر شاعران بعد از خود تأثیری شگرف گذاشته است و اقبال به آثار او با گذر زمان و قرن‌ها بیشتر شده است؛ این پژوهش با روش تحلیلی- تطبیقی بر آن است با هدف دستیابی به شناخت بهتر و دقیق‌تر «الهی‌نامه» از دریچه نظریه نقش‌های زبانی یاکوبسن، این اثر را مورد کاوش قرار دهد. بررسی کتاب «الهی‌نامه» بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن روشن می‌نماید که در شعر عطار کلیه کارکردهای زبانی یاکوبسن دیده می‌شود، به فراخور این مؤلفه‌های محتوایی است که مخاطب با اثر عطار ارتباط برقرار می‌سازد، عطار به خوبی مخاطب خود را می‌شناسد و با روش‌های گوناگون با او ارتباط همدلانه برقرار می‌کند.

کلیدواژگان: الهی‌نامه، یاکوبسن، نقش‌های زبانی، گیرنده، پیام.

* گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. Aziziatefeh124@gmail.com

** استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

Bt_fam12688@yahoo.com

مقدمه

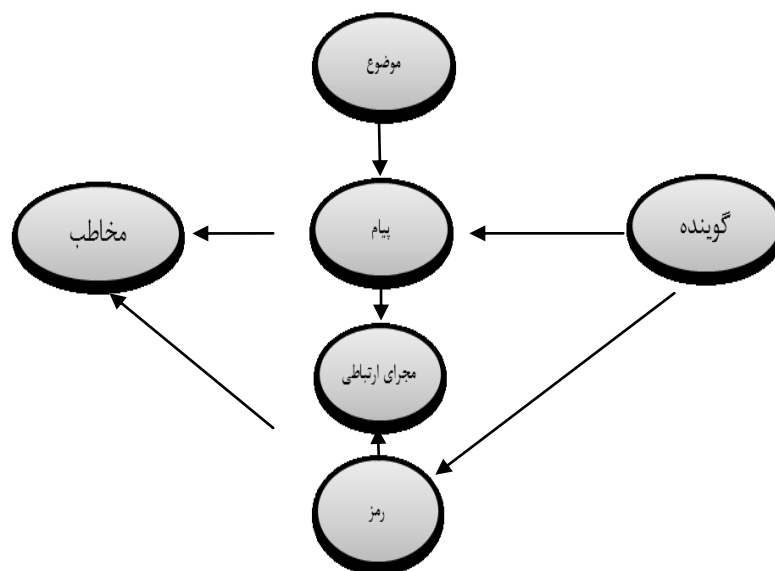
عطار عارفی است شاعر، که از هنر شعر کمک می‌گیرد تا روح به خاک پیوسته انسانی پر و بال دوباره ببخشد. «منطق الطیر» او، روح انسان را با پرندگانش به پرواز در می‌آورد و با حکایت‌هایش او را به سفر می‌برد و از «گاو زمین» به «قاف معنا» می‌رساند. او مسافر خود را با سالک فکرت کوی به کوی و منزل به منزل همراه می‌کند و به دنبال گمشده خویش است و پس از جهد و تلاش در نهایت، "انسان" خود پاسخ تمام سؤال‌ها است. «اسرارنامه» نیز با مقاله انسان آغاز می‌شود. عطار معماری است که بنای معنای سخن خود را بر انسان می‌گذارد. او برای انسان چنان مقامی قائل است که انسان را خلیفه زاده می‌داند، برای به تعالی رساندن او نیز تلاش می‌کند و در «الهی‌نامه» آینه‌ای در دست می‌دهد تا به انسان به عنوان خلیفه زاده اضلاع مختلفش را بشناساند.

سایه‌ای شو گم شده در آفتاب
هیچ شو والله اعلم بالصواب

(عطار، ۱۳۹۲: ۳۹۸)

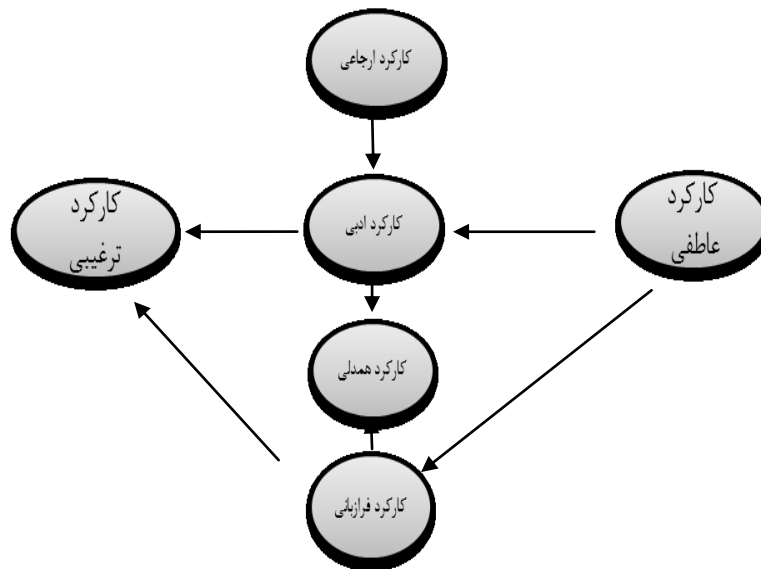
«عرفان و لحظه‌های ژرف تأملات عرفانی بهترین زمینه‌ای برای این گونه سفرها و سفرنامه‌ها است. عارف همواره در گریز از جهان مادی و در جست‌وجوی پیوند با جهان آرزوها است. جهان پهناور معنی، اتصال به ذات حق و دیدار جمال او» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۵).

رومن یاکوبسون (۱۸۹۶-۱۹۸۲) زبان شناس و ادیب روسی، نظریه‌های مهمی در زمینه‌های گوناگون چون واج‌شناسی، ارتباط‌شناسی، نقد ادبی، شناخت اسطوره‌ها و فولکلور ملت‌های اسلاو ارائه کرد. مهم‌ترین دستاورد یاکوبسون در زمینه ادبی آثاری است که درباره زبان شعر نوشته است (احمدی، ۱۳۸۰: ۶۵). یاکوبسون فرایند ارتباط را شامل گوینده، گیرنده و پیام می‌داند و عوامل دیگر رمز، موضوع، مجرای ارتباطی به انتقال پیام کمک می‌کنند. نظریه ارتباط به ما کمک خواهد کرد درست‌تر و دقیق‌تر به پیام شعر دست یابیم. یاکوبسون عقیده دارد، «پیام زمانی مؤثر خواهد بود که معنایی داشته باشد و طبعاً می‌باید از سوی گوینده رمزگذاری و از سوی مخاطب رمزگردانی شود. پیام از طریق مجرای فیزیکی انتقال می‌یابد» (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۲).



نمودار فرایند ارتباط کلامی

هریک از اجزای فرایند زبانی می‌تواند نقش و یا کارکردی در زبان ایفا کند. کارکردهایی که یاکوبسن از آن‌ها نام می‌برد، کارکرد عاطفی، ترغیبی، فرازبانی، ارجاعی، همدلی و ادبی است. اگر از زاویه گوینده یا فرستنده به اثر بنگریم به کارکرد عاطفی توجه کرده‌ایم، با نگرستن از زاویه مخاطب نیز، کارکرد ترغیبی را در نظر گرفته‌ایم، اگر زاویه نگرش ما به سوی پیام باشد بر کارکرد ادبی تمرکز کرده‌ایم و با توجه به زاویه موضوع یا بافت، کارکرد ارجاعی آن در نظر گرفته می‌شود، اگر نگرش ما از زاویه رمز باشد به کارکرد فرازبانی توجه کرده‌ایم و در صورتی که توجه ما از زاویه مجرای ارتباطی باشد به کارکرد همدلی زبان نظر کرده‌ایم. با توجه به کارکردهای اجزای کلام می‌توانیم نمودار آن را اینگونه ترسیم کنیم.



نمودار کارکردهای زبانی یاکوبسن

عطار به عنوان یکی از بلندترین قله‌های عرفان و یکی از تأثیرگذارترین عارفان شاعر بر ادب پارسی از زبان و سخن و شعر بهره برده است تا در معانی را به سالکان طریق حق بشناساند. حال بر آن‌ایم تا به بررسی «الهی‌نامه» پرداخته و با نگاهی به نظریه یاکوبسن این اثر را بهتر بشناسیم.

بیان مسأله

عطار به عنوان عارفی شاعر، در کتاب‌های خود به بیان مسائل عرفانی با اسلوب خاص خود پرداخته است. شعر او به واسطه نشأت گرفتن از درون و ضمیر انسان، علاوه بر بیان آنچه در ضمیر ناخودآگاه فرد می‌گذرد، به واسطه تأثیرگذاری، می‌تواند نقش پیام‌رسانی را نیز ایفا کند. *عطار*، پیر طریقت و سالکِ طریق حق با گذر از هفت شهر عشق و بعد از تجربه عشق الهی و قرار گرفتن در پرتوی محبت الهی با زبانی نرم و محبت‌آمیز، مخاطب خویش را با خود همراه می‌کند. مسأله اساسی در این پژوهش آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که بررسی نقش‌های زبانی یاکوبسن چگونه می‌تواند در کشف هنرنمایی‌ها و

توانمندی‌های عطار در انتقال پیام‌های عارفانه مفید و مؤثر واقع گردد و با بررسی کتاب «الهی‌نامه»، بر اساس نظریه یاکوبسن، گوشه‌ای از تفکرات و ذهنیات این عارف بزرگ را دریابیم و بیان کنیم. یاکوبسن در نظریه خود، برای فرایند ارتباط، شش جز در نظر گرفته است. اگر زبان و سخن را یک شش وجهی در نظر بگیریم می‌توان از زوایای مختلف به آن سخن نگریست و یا یک نویسنده با توجه به هدف خود، یکی از این اضلاع را در اثر خود برجسته می‌نماید. گاه در شعر و اثری کارکرد عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، ادبی و فرازبانی و یا همدلی بیش‌تر رخ می‌نمایند. اگر با توجه به این نظریه به واکاوی شعر عطار بپردازیم، دریابیم آیا این نظریه در کتاب «الهی‌نامه» عطار قابل صدق است؟ چرا عطار زبان شعر را برای مقاصد خود برگزیده است؟ و چقدر در برقراری ارتباط با مخاطب خود موفق بوده است؟ از چه شیوه‌ها و روش‌هایی برای بیان مفاهیم ژرف خود بهره گرفته است؟ زیبایی‌های شعری و آرایش کلام در شعر او چگونه است؟ با توجه به اینکه شعر او قابل تأویل است، عطار از چه شیوه‌ای بهره برده تا مخاطب به آنچه مورد نظر اوست دست پیدا کند؟ علل برجستگی شعر او را چه در عرفان و چه در ادبیات بررسی نماییم و بیان نماییم چرا از نظر بعضی اشعار او ژرف و زیبا و از نظر بعضی دیگر زبان او «زبان نیمه گنگ و بینش حقیر» (حمیدی، ۱۳۴۴: ۶۳۷) است.

پیشینه تحقیق

آثار و اشعار عطار، موضوع تحقیق پژوهشگران فراوانی قرار گرفته است و مقاله‌ها و کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری در زمینه آثار او به رشته تحریر در آمده است. «کارکرد روایی نشانه‌ها در حکایت رابعه از الهی‌نامه عطار» کاری از محسن بتلاب آبادی و احمد رضی (۱۳۹۲) است، در این مقاله به تحلیل نشانه‌شناختی روایت پرداخته شده است و قواعد و قراردادهای عرفان به عنوان عامل مؤثر در شکل‌گیری و صورت‌بندی این روایت شناخته شده است. روحانی و عنایتی قادی‌کلایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تقابل‌های دوگانه در غزلیات عطار نیشابوری» با بررسی یکصد غزل برگزیده از عطار، عنوان نمودند که شالوده بسیاری از این غزل‌ها تقابل دوگانه است، مهم‌ترین دلایل توجه عطار به تقابل‌های دوگانه را ضمیر ناخودآگاه شاعر، اهمیت دادن به مسائل اخلاقی و دینی، توجه

به مفاهیم عرفانی، تأثیر محیط اجتماعی و توجه شاعر به مسائل زیباشناختی و موسیقایی ذکر کرده‌اند. حاجتی و رضی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمانی الهی نامه عطار از منظر گفتمان دیالکتیکی» گفتمان‌های شکل گرفته در «الهی‌نامه» را در دو سطح ساختاری و محتوایی و منشأ گفتمان‌ها و شکل‌گیری خرده گفتمان سکوت را مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان اشاره کردند که دو گفتمان دنیاگرایی و دنیاگریزی با مرکزیت خدا و انسان به صورت دیالکتیکی در «الهی‌نامه» شکل گرفته است، هر دو گفتمان راهکارهای تلفیق و تفکیک دین و دنیا را پیشنهاد می‌کند. در مقاله «بررسی تقابل‌های دوگانه در سطح فکری منطق الطیر» فخر/اسلام (۱۳۹۶) جان‌مایه سطح فکری آثار ادبی و آیینی شعر فارسی و بینش ایرانی را در تقابل‌ها می‌داند و بیان می‌کند هرگونه تقابلی در گستره بینش عارفانه می‌تواند به همسویی و همراهی و همسانی برسد همچنان که در «منطق الطیر» عطار نیشابوری نیز در نهایت تقابل‌ها، قابل یکی شدن می‌گردند. یوست و انوشیروانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه و نظریه‌های جدید در ادبیات» به این مورد اشاره می‌کند که هدف ادبیات تطبیقی مقایسه نیست، بلکه شناخت ادبیات به عنوان یک کلیت است که اجزای آن، یعنی ادبیات‌های ملی، با یکدیگر مرتبط هستند.

بحث

گوینده (فرستنده)

عطار به عنوان عارفی که از شعر برای بیان ناگفتنی‌ها بهره برده است در «الهی‌نامه» در نقش خلیفه‌ای آگاه و دلسوز ظاهر می‌شود که با سؤال، نقش پدران خود را آغاز می‌کند و سپس با پاسخی که از پسران خود دریافت می‌کند، با بیان حکایت‌های گوناگون تندیس ذهن آنان را به زیبایی شکل می‌دهد. عطار را در مناجات‌هایش می‌شود شناخت با یکتای بی‌همتا با صمیمیت سخن می‌گوید و آنجا که زبان عاجز از گفتن است، در پشت نقاب دیوانه‌ای ناگفته‌ها را می‌گوید. عطار خود را پیری می‌داند که از کشیدن کمان معانی ناتوان است و بازوی وی، او را در این راه یاری نمی‌دهد. عطار در این کتاب نیز چون سه منظومه دیگرش به عنوان گوینده و نویسنده بر آن است تا با

عبور انسان از کوچه‌باغ‌های حکایات خود رذایل و فضائل را به همسفران خود بنمایاند. عطار عاشق است، عاشقِ هم‌نوعِ خود، از هر رنگی، با هر مرتبه و مقامی و از هر جنسی و هر مذهبی. او عاشقِ موجوداتی است که در پهنه زمین از نعمت وجود برخوردارند و او عاشق است، عاشقِ یکتایی که از شور و درد عشقِ او، در کلمات شعرش می‌گریزد. این انسانِ عاشق، در «الهی‌نامه»، رسالت خود را با ظهور در نقش خلیفه‌ای که حکمش جاری و پدری که امرش مطاع است به انجام می‌رساند و شش ضلع وجودی انسان را درآینه پسران خلیفه بیان می‌کند. هدف این پیر راه‌چیزی نیست جز آنکه «بیژن وجود» انسان را از «چاه افراسیاب نفس» نجات دهد.

او خود علت شعر گفتن خود را نداشتن همدم می‌داند و آنچه را به زبان می‌آورد حاصل «دُری» می‌داند که در «دریای دل» او پنهان است.

چو کس را می‌نبینم همدمِ خویش
بدین جا فرو گویم غمِ خویش
مرا در بحر دل دُری ست تنها
کزو می‌زاید این چندین سخن‌ها
(عطار، ۱۳۹۴: ۳۹۹)

او خود را «خوشگویی» می‌داند که «خوشبویی» زبانش و شعرش را از «خوشبویی نام خداوند» گرفته است:

خدایا بس که این عطار خوش‌گوی
به عطر شعر نامت کرد خوشبوی
چه گر عطار از آن خوشگوی بوده ست
که نامت جاودان خوش بوی بوده ست
(همان، ۱۳۹۴: ۴۱۲)

خواست عطار «از خود بیرون آمدن و در خدا گرفتار شدن» است:

مرا بی خود به خود گردان گرفتار
میاور با خودم هرگز دگربار
(همان، ۱۳۹۴: ۴۱۲)

مخاطب (گیرنده)

عطار مخاطب خود را «شهبازی» معرفی می‌نماید که باید بال و پر گشوده و از «دامگاهِ لعبِ اطفال» عبور کند (عطار، ۱۳۹۴: ۴۷۶۸) و در جایی دیگر او را شاه و خلیفه معرفی می‌کند (عطار، ۱۳۹۴: ۴۲۰).

مخاطب عطار هر کس و هر چیز باشد از نظر او ارزشمند است، عطار از «نائب دار الخلیفه» می‌خواهد که به چشم خُرد در هیچ چیز ننگرد، زیرا که تمام گیتی از «کُن» الهی است. مخاطب عطار باید از اسب کبر و غرور پیاده شود و از ماه و خورشید، درویش و شاهزاده، ترسا و مسلمان و زاهد و ابلیس درس عشق و درد بیاموزد و این رمزهای مشترکی که عطار ایجاد می‌کند، سبب پیوند او و مخاطبش می‌گردد. «شاید سخنان کوتاه و ابیات محدود ولی بلندی در ستایش انسان در ادب فارسی قبل از عطار بتوان یافت، اما بدین لطافت و زیبایی و بدین ژرفی گویا قبل از عطار کسی مقام انسان را نستوده است و اگر نظیری برای این سخنان بیابیم هم در دیگر آثار عطار باید طلب کنیم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۶).

به راحتی نمی‌توان در اشعار عطار، او را از انسان‌های دیگر جدا دانست، او در اشعارش رسالت و آرمان انسانی را برای خود و انسان‌های دیگر بیان می‌کند. با این نگرش، او از خود عبور می‌کند و با خلاقیت چون عکس و سایه درگاه الهی برخورد می‌کند. تا زمانی که از خویش به در نیاید نمی‌تواند اوج بگیرد و چون «چوگانی سرنگون»، «گویی» از میدان معانی نمی‌برد و سرگردان و حیران خواهد ماند. مخاطب عطار باید چون «غواصان» دم نگاه دارد و خود را به ژرفای «اقیانوس دل» بسپارد تا «دُرّ معانی» را بیابد.

پیام

عطار اساس عالم را از سخن می‌داند، از «کُن» هست و از «لا تکن» نیست می‌گردد. معیار دیگر ارزش سخن را نزول آن از حق تعالی به پیامبر؛ فخر عالم می‌داند. او در ارزش سخن همین بس که حضرت موسی را «کلیم کردگار» و حضرت عیسی را «کلمه حق» و حضرت پیامبر را «سلطان سخن» معرفی می‌نماید. سخن از دیدگاه او «اصل و عهد و میثاق» الهی در زمان «عرضِ ذُرّیات عشاق» است.

او زمانی سخن گفتن را برای انسان روا می‌داند که در دین به کمال رسیده باشد و در مقابل توصیه می‌کند که در هیچ سخنی به چشم خُرد نباید نگریست. او از دایره حق خارج نمی‌شود و چون پرگاری حیران و سرگردان از حق می‌گوید، می‌سراید و چنین است که کلامش بعد از قرن‌ها در دل‌ها ریشه می‌افکند و به شکوفه می‌نشیند.

در زفان قال کذب است آن ولیک
در زفان حال پرصدق است و نیک
(عطار، ۱۳۹۲: ۸۹۶)

او در فخریه‌ای جایگاه سخن خود را اینگونه مشخص می‌کند:
سخن گر برتر از عرش مجید است
فروتر پایه شعر فرید است
(همو، ۱۳۹۴: ۳۹۷)

او سخن خود را «دم عیسی» و «ید بیضا» معرفی می‌کند و هر کتاب خود را «باغی» می‌داند که چون «باغ جنت پرنگار» است. «فلک» به مدد شعر عطار دارای «گوهر و اختر» شده است و شعر عطار است که در هنگام «تیرگی قیامت» همه جا را «روشن» خواهد کرد. شعر عطار «لحن عشق حوران دل افروز» بهشت است و «الهی نامه»، «گنج الهی» که «بزرگان هفت آسمان» نیز آن را می‌خوانند و اما در نهایت، «الهی نامه» را «فضل الهی» می‌داند.

رمز(کد)

عطار عاشق درد کشیده‌ای است که تجربیات طریق عشق را برای نامحرمان با زبان رمز و تمثیل بیان می‌کند. باید به عمق واژگان او رفت تا دانست این غواص دریای معانی چه دژی را برای بشریت به ارمغان آورده است. «صوفیه نردبان شگفت‌آوری یافته‌اند که عبارت است از زبان و قلمرو واژگان و به یاری تأمل در واژه‌ها به سفر در عوالم روحانی پرداخته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

زبان، رمز مشترک است که باعث درک پیام و برقراری ارتباط مؤثر می‌گردد. «زبان امری اجتماعی است و در جوامع بشری به عنوان وسیله‌ای برای برطرف کردن نیاز افراد جامعه برقراری ارتباط با یکدیگر و تفهیم و تفاهم به کار می‌رود» (باقری، ۱۳۹۳: ۱۷). عارف مسائلی را بیان می‌کند که با زبان متعارف قابل بیان نیست. شعر ابزاری است در دست شاعر عارف تا با استفاده از صور خیال از زبان هنجار خارج شود و به کمک محور همنشینی و جاننشینی به بیان آنچه به زبان نمی‌آید، برآید. اصطلاحات و واژه‌هایی که عارفی چون عطار بیان می‌کند رمزی است برای رسیدن به لایه‌های پنهان آنچه گاه غیر قابل بیان است. عطار با استفاده از تشبیه، استعاره و کنایه و حسن تعلیل و گاه با

استفاده از یک کلمه و بیان معانی مختلف آن خود به رمزگشایی پرداخته است. «هنر مجموعه‌ای از "تخیل" و "رمز"ها است که خود را در گونه مجموعه‌ای از صورت‌های جمال‌شناسانه و به عنوان نظامی از نشانه‌ها عرضه می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۶).

دو عالم چیست؟ بحری نام او دل
 تو در بحری بمانده پای در گل
 توکل چیست؟ پی کردن زبان را
 ز خود ناخواستن خلق جهان را
 (عطار، ۱۳۹۴: ۲۲۷)

در حکایت "دختر کعب و عشق او و شعر او" بهار، باغ، موسیقی، عاشق و معشوق و صحبت‌های عاشقانه را می‌بینیم، که هر کدام رمزی است میان گوینده و مخاطب. «تعابیر زیباشناختی مانند «نرگس»، «لعل»، «مروارید تر»، «گوی سیمین»، «کمان» و «آب خضر» که در شخصیت پردازی بکتاش و دختر کعب مورد استفاده قرار گرفته‌اند همگی در حکم نشانه‌های شمایی هستند که زبان را متوجه دلالت‌های ضمنی و اجتماعی رمزگان عشق کرده است» (بتلاب اکبرآبادی و رضی، ۱۳۹۲: ۲۱).

موضوع (زمینه)

عطار آموزگاری است که برای آنکه مخاطبش به آنچه او می‌خواهد دست پیدا کند، گاه پرندگان «منطق الطیر» را تا قله قاف به پرواز در می‌آورد و گاه سالک فکرت را آواره کوی و بیابان می‌کند تا آنکه که او را به پیشگاه فخر عالم می‌رساند، گاه نیز پسرهای خلیفه در حالی که گوش به آوای پدر سپرده‌اند از آرزوهای خود می‌گویند و این بار خلیفه است که پسران را از آوارگی در آرزوهایشان نجات می‌دهد و آنان را به درون و وجود خودشان فرا می‌خواند، سفر در هزارتوی داستان‌ها به اتمام می‌رسد و حاصل تمام این‌ها چیزی نیست جز رسیدن به مرکز کائنات یعنی انسان. عطار می‌کوشد سخنی را که همه بزرگان اندیشه بشری از فلاسفه تا عرفا در پی بیان آن بودند با زبان حکایت جامه عمل بپوشاند.

و او خود می‌گوید، سخنان را کسی خواهد دانست که خود درد کشیده باشد.

چه دانی تو که مردان در چه دردند
 ولی دانند درد آن‌ها که مردند
 (عطار، ۱۳۹۴: ۱۸۹)

رسانه (مجرای ارتباطی)

کتاب «الهی‌نامه» مانند سه منظومه دیگر با توحید خداوند یکتا آغاز و سپس در معراج رسول خدا و در فضیلت خلفای راشدین ادامه پیدا می‌کند و وارد بدنه اصلی کتاب می‌شود. در آغاز از ارزش انسان و مقام او می‌گوید و سپس قلم را در منزلت سخن به حرکت در می‌آورد. شاهزادگانی که به دنبال آرزوهای خود با پدر لب به سخن می‌گشایند، رمزی از وجوه مختلف انسان هستند. شاهزاده‌ای در پی دخترشاه پریان و دیگری جادویی آموختن، جام جهان‌نما و آب‌زندگی، انگشتی سلیمان و کیمیا و پدر حکایت‌های گوناگون را همراه با استدلال بیان می‌کند تا پسران هدف غایی و اصلی را که باید در پی آن باشند، بشناسند. عطار برای بهتر بازگو کردن افکارش، از اسطوره‌های ایران باستان و «شاهنامه» تا عارفان هم عصر خود شخصیت‌های اجتماعی در حکایت‌هایش نام برده است، و در نهایت وجود انسان را بحری معرفی می‌کند که باید به آن دست یافت.

کارکرد عاطفی

«اگر از دیدگاه فرستنده نظر کنیم به نویسنده و کاربرد "عاطفی" یا "توصیفی" او از زبان توجه کرده‌ایم» (سلدون، ویدوسون، ۱۳۹۷: ۲۱). اگر به صورت جامع بر کتاب «الهی‌نامه» نظر کنیم، کل کتاب از مهر او نسبت به خدا و انسان و کائنات لبریز است. عطار از حدیث نفس برای بیان سخنانش بهره برده است. «اگر به اشعار او که در همه آن‌ها شاعر با ضمیر شخصی «من» با خدای خود سخن می‌گوید، دقت کنیم، خود را با غم او شریک می‌دانیم و در خواهیم یافت که درد عطار درد همه انسان‌ها در تمام قرون و اعصار است» (خشنودی، ۱۳۹۵). او گاه با بیان مستقیم، احساسات خود را به صورت صریح بیان می‌کند و آنجایی که واژه‌ها قادر به بیان نیستند از توصیفات و حکایت‌ها بهره می‌گیرد و سخن خود را به صورت غیر مستقیم به نگارش در می‌آورد. «در آثار غنایی، هرگونه بیانی، خواه بیان نکات اخلاقی و آموزشی مخاطب، خواه بیان روایات «او» سوم شخص کاملاً در راستای هدف ادب غنایی یعنی گزارش عواطف «من» شاعر قرار می‌گیرد» (آقابابایی و همکاران: ۱۳۹۵).

در حکایت «آن زن که بر شاهزاده عاشق می‌شود» زمانی که قصد کشتن زن را به جرم عشق دارند، از زبان زن اینگونه می‌گوید:

بلی گر کشته معشوق باشم
ز نور عشق بر عیوق باشم
(عطار، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

و گاه با استفاده از واژه‌هایی، اوج احساس خود را بیان می‌کند:

دریغا و دریغا روزگارم
چه نقدِ روزگار خود بدیدم
که دایم جز دریغا نیست کارم
امید از خویشتن کلی بریدم
(عطار، ۱۳۹۴: ۴۰۲)

و اگر بخواهیم نقش عاطفی زبان را در کانون یکی از نظریه‌های عمده نشان دهیم می‌توانیم به نظریه رمانتیک-اومانستی اشاره کنیم. «این نظریه بر ذهن و زندگی نویسنده تأکید دارد» (سلدون، ویدوسون، ۱۳۹۷: ۲۱).

کارکرد ترغیبی

«در این نقش جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب است. ساخت‌های ندایی یا امری را می‌توان بارزترین نمونه‌های نقش ترغیبی زبان دانست. صدق و کذب این گونه ساخت‌ها قابل سنجش نیست» (صفوی، ۱۳۷۳: ۲۱).

عطار روان‌شناس ماهری است. زمانی که تأثیر کلام مستقیم را بیش‌تر تشخیص می‌دهد، از جملات امری و ندایی استفاده می‌کند و زمانی اسبِ سخنش را به آرامی و ملایمت به حرکت در می‌آورد و سخن را به صورت غیر مستقیم و در لفافه و غیر مستقیم بیان می‌کند، تا مخاطب در آرامش و تفکر آنچه را باید، دریابد. چنانکه در حکایت «نابینا با شیخ نوری رحمه الله» بعد از بیان حکایت و آماده کردن مخاطب، ذهن و دل مخاطب را نشانه می‌گیرد و اینگونه می‌گوید:

چنین باید سماع نی شنودن
چو نام دوست بنیوشی چنین شو
ز نی کشته شدن در خون غنودن
به یک یک ذره بحری آتشین شو
ز صدق دوستی جانباز باشی
اگر در عشق اهل راز باشی
(عطار، ۱۳۹۴: ۱۹۶)

از این ظلم آشیان دیو بگریز
وزین زندان پرکالیو بگریز
(همان، ۱۳۹۴: ۱۸۰)

و در جای دیگر با لطافت بیش‌تر این خطاب مستقیم را به کار می‌برد.
عزیزا! قصه ابلیس بشنو
زمانی ترک کن تلبیس بشنو
چه لعنت می‌کنی او را شب و روز
ازو باری مسلمانان درآموز
(عطار، ۱۳۹۴: ۲۱۹)

و در کل کتاب «الهی‌نامه» چه آنجا که از دختر شاه پریان، چه از جادویی آموختن، جام جهان‌نما، آب حیات و انگشتری سلیمان و کیمیاگری، برای پسران می‌گوید، در نقش پدری، دلسوزانه بر خواست‌های پست انسانی گریه می‌کند و غیر مستقیم دریافت‌هایش را در جام حکایات چون شربت‌ی گاه شیرین و بیدارکننده، گاه تلخ و سُکر آور به مخاطب خود می‌نوشاند. او کم‌تر از جملات امری استفاده می‌کند و زبانش زبان حکایت و تمثیل است. او از حس، حماسه و هدایت بهره می‌گیرد و شعرش تأثیرگذارترین می‌شود.

کارکرد ارجاعی

«در این نقش جهت‌گیری پیام به سوی موضوع پیام است. یاکوبسن بر این نکته تأکید دارد که تمایز میان نقش ارجاعی و نقش ترغیبی زبان از طریق امکان تشخیص صدق یا کذب گفته مشخص می‌گردد و جملات اخباری زبان، تماماً از نقش ارجاعی برخوردارند» (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۳).

عطار از جملات اخباری بی‌شماری بهره برده است، گاه با استفهام انکاری و یا بیان سؤال و حکایت و یا با حسن تعلیل، کنایه، تشبیه، تمثیل، بیان نقیضی به گفتار خود مهر تأیید می‌زند. در دعا و مناجات‌های عطار کارکرد ارجاعی بازتاب دارد. او که سیراب از عشق الهی است و در دریای بیکرانه محبت الهی مستغرق است، آنچه را با چشم دل دیده و درک کرده است، با همان عشق و مهربانی و سوزی که حاکی از فراق است، بر زبان آورده و از هرگوشه تمثیل و حکایتی را بیان می‌کند تا شاید قطره‌ای از آن عشق الهی را به تصویر بکشد و طریقه عاشقی را به رهروان این راه نشان دهد.

استفهام انکاری

تو پنداری کز آتش سود دیدی / نمی‌دانی کز آتش دود دیدی

(عطار، ۱۳۹۴: ۲۲۵)

چو زنجیر زمین برپای باشد / کجا بر آسمان جای باشد؟

(همان، ۱۳۹۴: ۲۳۴)

حسن تعلیل

از آن زر بیش‌تر در زیر خاک است / که از وی بیش‌تر مردم هلاک است

(عطار، ۱۳۹۴: ۳۵۰)

کنایه

فلک را قصد جان تو از آن است / که با تو پای گاوش در میان است

(همان، ۱۳۹۴: ۳۲۹)

تشبیه

یکی دختر در ایوان بود نیزش / که چون جان بود شیرین و عزیزش

(همان، ۱۳۹۴: ۳۷۱)

بیان نقیضی

خرد در پیش او دیوانه بودی / به خوبی در جهان افسانه بودی

(همان، ۱۳۹۴: ۳۷۲)

و سؤال و جواب‌هایی که در مناظره حکایت «جوان نمک‌فروش که بر ایاز عاشق شد» میان سلطان محمود و نمک‌فروش ردّ و بدل می‌شود و استدلال‌هایی که عطار از زبان نمک‌فروش بیان می‌کند، به نقش ارجاعی کلام و هدایت آن به سوی نقش ترغیبی مدد می‌رساند:

گدا گفتش تو با این پیل و کشور / ز مشرق تا به مغرب ملک و لشکر

در این دریا ندانی بود غوّاص / که این را مفردی باید به اخلاص

تو بگشاده همه عالم پر و بال / نیابی بوی آن دُر در همه حال

(همان، ۱۳۹۴: ۳۰۴)

کارکرد فرازبانی

برای عارفان در مقام شهود حقایقی مشهود می‌شود و سخنانی ویژه برای گفتن دارند که زبان در ادای آن معانی عاجز است، آن سخنان را در لباس‌های گوناگون از نظم و نثر، کنایه و اشارات ظاهر می‌کنند و به دلیل نبودن محرم اسرار و عدم درک مردمان، آن تجلیات را با ظهوراتش در جهان محسوس ارتباط می‌دهند و به صورت عاشق و معشوق دل‌داده و محبوب به گفتار در می‌آورند. «به اعتقاد یاکوبسن، هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دوی آن‌ها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند مطمئن شوند، جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود. در چنین شرایطی زبان برای صحبت درباره خود زبان به کار می‌رود و واژگان مورد استفاده شرح داده می‌شود» (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۳). همانطور که می‌بینیم در حکایت‌های عطار عشق، ساری و جاری است و از عشق شیطان، درویش، صوفی، زن، مورچه و خورشید می‌گوید و هر عشق خالصانه‌ای را مقدس می‌داند. «عطار همچنان که از روزگاران پیش معمول بوده ویژگی‌های عشق الهی را نمونه‌هایی از عشق جسمانی و عشق به مخلوق توضیح می‌دهد. به همین سبب در مثنوی‌های او شمار زیادی از حکایات عشق جسمانی و عشق به مخلوق دیده می‌شود» (ریتر، ۱۳۷۷: ۵۳۱).

عطار اغلب برای بهتر شناساندن مفهوم گفتار خود به شرح واژه‌های به کار برده‌اش می‌پردازد. آنجایی که از دل نام می‌برد آن را تعبیر به «موسی» و نفس را «فرعون» می‌خواند (عطار، ۱۳۹۴: ۲۳۳) و یا از کلمات متجانس و متقابل برای رمزگشایی از بیان آنچه می‌خواهد بگوید بهره می‌برد. «مُلک» را به معنای دانه‌ای همجنس عدس، در برابر «مُلک» پادشاهی به کار می‌برد و این کلمات را در چند بیت پیایی با تعبیر مختلف بیان می‌کند (همان، ۱۳۹۴: ۳۰۶). گاه نیز از تشبیه و استعاره مدد می‌جوید، زبان علم را چون خورشید برمی‌شمارد و زبان معرفت را گنگ می‌داند (همان، ۱۳۹۴: ۴۰۳).

در حکایت «دختر کعب و عشق او و شعر او» با بیان تعبیر مختلف آتش، «آتش حمام، آتش شعر، آتش جوانی، آتش خونفشانی، آتش عشق، آتش رسوایی و حیرت، آتش دلگرمی و مستی، آتش بیماری و سستی» شدت سوزاندگی در حمام دختر کعب را در بیان می‌کند و علاوه بر رمزگشایی، کلام خود را به اوج احساس می‌رساند و ارتباط

خود را با مخاطب نزدیک‌تر می‌نماید. او از اساطیر نیز برای رمزگشایی واژگان خود بهره می‌گیرد. در حالی که «بیژن» وجود انسانی در چاه نفس «افراسیاب» گرفتار است و فقط پیر و مراد، «رستم» است که می‌تواند او را از این چاه نجات دهد و به نزد «کیخسرو» روح آورد و «جام جم» را در دست دهد (عطار، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

کارکرد همدلی

«در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی است. بنا به گفته یاکوبسن، هدف برخی از پیام‌ها این است که ارتباط برقرار کنند، موجب ادامه ارتباط شوند یا ارتباط را قطع کنند» (صفوی، ۱۳۷۳: ۳۴). عطار برای ایجاد فضای همدلانه با مخاطب خود، از گزینش‌های مختلفی بهره برده است. استفاده از واژگان عاطفی ساده چون «عزیزا» و یا توصیف جمال عاشق و معشوق در داستان‌های عاشقانه. حکایت‌های عطار جاده‌های پرپیچ و خمی است که او گاه با یک تابلوی سؤال، مخاطب خود را با عالم خود آشنا می‌کند. «در عمل رسانگی، دو قطب مثبت و منفی وجود دارد، قطب مثبت موضوع قدرت هنرمند یا متکلم است در کار ارائه موضوع به گونه‌ای که به ذهن مخاطب انتقال یابد. اما قطب منفی، نیروی شنونده است در پذیرش آن موضوع، شرط عمده این کار این است که مردم در بسیاری از تجربه‌های خود مشترک باشند و یکدیگر را از این چشم‌انداز بشناسند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۵).

کارکرد ادبی

لطافت، تأثیرگذاری، سحرآمیزی، موزون بودن و ماندگار بودن و به راحتی در خاطر ملکه شدن از مواردی است که شاید پیر ما برآن شده تا زبان شعر برای بیان ناگفتنی‌های عرفانی انتخاب کرده است. در این زبان او سهل‌تر به بیان شهوداتی می‌پردازد که در دنیای مادی قابل بیان و توجیه نیست. او از عشق ماه و خورشید و عشق مور می‌گوید. «در شعر غنایی یا حداقل اقسامی از شعر غنایی، معنی یا موضوع سخن مقدم بر شعر وجود ندارد و آنچه مقدم بر شعر وجود دارد حالتی روحی است که تحت تأثیر برخورد با پدیده‌های طبیعت و واقعیت‌های زندگی در شاعر ایجاد می‌شود و

همین احوال روحی یا احساسات و عواطف است که جریان تدریجی معنی‌زایی را جهت می‌دهد و در نهایت شعر را به وجود می‌آورد» (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۱۶).
با مطالعه آثار عطار می‌توان دریافت که عطار در هنر شاعری تواناست، اما فقط آنجا که لازم می‌دانسته از آرایه و علم بدیع بهره برده است او با استفاده از تشخیص، حدیث دل و بیان حکایت، تکرار واژه و توصیف‌های ناب به غنا و غنای کلام خود قدرت بخشیده است، ولی سعی او بر آن بوده تا مغز سخنش را زیور ببخشد نه ظاهر شعر را، از دیدگاه او زیبایی‌های ظاهر مانعی است برای رسیدن به ژرفای کلام.
«یاکوبسن عقیده داشت که گفتمان ادبی به دلیل آنکه "معطوف به پیام است" با اشکال دیگر گفتمان فرق دارد؛ شعر، قبل از آنکه درباره شاعر، خواننده یا جهان باشد، از خودش حرف می‌زند» (سلدون، ویدوسون، ۱۳۹۷: ۸۲).

استعاره

استعاره و تشبیه مواردی با بسامد فراوان در اشعار عطار هستند:

ز ترکستان پرمکر طبیعت
کند رویت به ایران شریعت
(عطار، ۱۳۹۴: ۱۸۳)

در این میدان بدان خم گشته چو گانش
بخوادم برد گویی ز نخدانش
(همان، ۱۳۹۴: ۳۷۶)

بر کیخسرو روحت دهد راه
نهد جام جمت در دست آنگاه
(همان، ۱۳۹۴: ۱۸۳)

آرایه عکس

شود چون سیل کوه اینجا ز اندوه
چو دریا اشک گردد جمله کوه
(همان، ۱۳۹۴: ۱۹۰)

حسن تعلیل

سر زلفش چو برخاک اوفتادی
ازو پیچی بر افلاک اوفتادی
(عطار، ۱۳۹۴: ۳۷۲)

تضاد و تناسب و ایهام

به زخم زخمه در راهی که او راست
مخالف را به قولی کرده رگ راست
دل من چون مخالف شد چه سازم
نیامد راست این پرده نوازم
(همان، ۱۳۹۴: ۳۷۶)

نتیجه بحث

عطار بنای معنای سخن خود را بر انسان می‌گذارد. وی انسان را به عنوان مخاطب خود «شهباز»، «نائب دار الخلیفه» در جایی دیگر او را «شاه و خلیفه» معرفی می‌کند، مخاطب عطار هر کس و هر چیز باشد از نظر او ارزشمند است، وظیفه مخاطب عطار این است که باید چون «غواصان» دم، نگاه دارد تا «دُرّ معانی» بیابد و خود را به ژرفای «اقیانوس دل» بسپارد. او به خوبی مخاطب خود را می‌شناسد و با روش‌های گوناگون با ارتباط همدلانه برقرار می‌کند. او زیبایی شعر خود را نیز چون آنچه در هستی است از خالق یکتا می‌داند. تازیانه سخن او، گاه به آرامی بر اسب سخن همیشه در حرکت او می‌نوازد با مدد گرفتن از واژه‌ها و جملات عاطفی و یا در نقاب دیوانه، پدر، عاشق و معشوق و گاه با سؤال تشبیه، استعاره و کنایه و حسن تعلیل، تمثیل و حکایت و گاه با جملات امری و ندایی، مخاطب خود را از کجاوه کبر و غرور به زمین می‌آورد تا از ماه و خورشید، درویش و شاهزاده، ترسا و مسلمان و زاهد و ابلیس درس عشق و درد بیاموزد و این رمزهای مشترکی که عطار ایجاد می‌کند، سبب پیوند او و مخاطبش می‌گردد. شعر ابزاری است در دست او تا با استفاده از صور خیال از زبان هنجار خارج شود و به کمک محور همنشینی و جانشینی به بیان آنچه به زبان نمی‌آید، برآید. او از کلیه کارکردهای زبانی در شعرش بهره برده است. اصطلاحات و واژه‌هایی که عارفی چون عطار بیان می‌کند رمزی است برای رسیدن به لایه‌های پنهان آنچه گاه غیر قابل بیان است. عطار، مخاطب خود را سرگردان، میان کلمات شعرش، رها نمی‌کند، او به طرق مختلف به رمزگشایی معانی و کلمات پرداخته است. در کل کتاب «الهی نامه» چه آنجا که از دختر شاه پریان، جادویی آموختن، جام جهان نما، آب حیات و انگشتری سلیمان و کیمیاگری، برای پسران می‌گوید، در نقش پدری، دلسوزانه برخواست‌های پست انسانی می‌گرید و در

جام حکایات، شربتی گاه شیرین و بیدارکننده، گاه تلخ و سُکر آور را به مخاطب خود می‌نوشاند. او کم‌تر از جملات امری استفاده می‌کند و زبانش زبان حکایت و تمثیل است. عطار از جملات اخباری بی‌شماری بهره برده است، گاه با استفهام انکاری و یا بیان سؤال و حکایت و یا با حسن تعلیل، کنایه، تشبیه، تمثیل، بیان نقیضی به گفتار خود مهر تأیید می‌زند و با این شیوه‌ها سخن خود را تأویل می‌کند و به مقصود می‌رسد.

کتابنامه

- احمدی، بابک. ۱۳۸۰ش، **ساختار و تأویل متن**، تهران: نشر مرکز.
- باقری، مه‌ری. ۱۳۹۳ش، **تاریخ زبان فارسی**، تهران: نشر قطره.
- سلدون، رامن و پیتر ویدوسون. ۱۳۹۷ش، **راهنمای نظریه ادبی معاصر**، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر بان.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. ۱۳۹۲ش، **زبان شعر در نثر صوفیه**، تهران: انتشارات سخن.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۸ش، **منطق الطیر**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات سخن.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۹۲ش، **اسرارنامه**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات سخن.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۹۲ش، **الهی نامه**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات سخن.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۹۲ش، **مصیبت‌نامه**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات سخن.

مقالات

- بتلاب اکبرآبادی، محسن و احمد رضی. ۱۳۹۲ش، «**کارکرد روایی نشانه‌ها در حکایت رابعه از الهی نامه عطار**»، متن شناسی ادب فارسی، ش ۱ (پیاپی ۱۷)، صص ۲۸-۱۳.
- پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۶ش، «**انواع ادبی در شعر فارسی**»، مجله علوم ادبی، سال اول، شماره سوم، صص ۲۲-۷.
- حاجتی، سمیه و احمد رضی. ۱۳۹۳ش، «**تحلیل گفتمانی الهی نامه عطار از منظر گفتمان دیالکتیکی**»، دو فصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء(س)، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۷۵-۱۰۷.
- حمیدی، مهدی. ۱۳۴۴ش، «**عطار در مثنوی‌های گزیده او و گزیده مثنوی‌های او**»، یغما، سال هجدهم، شماره ۱۲، پیاپی ۲۱۲، صص ۶۳۷-۶۲۹.
- خشنودی، بهرام و احمد رضا نظری چروده و بیژن ظهیری ناو و معصومه نظری چروده. ۱۳۹۵ش، «**نیایش‌ها و ستایش‌ها در مثنوی‌های عطار(الهی نامه، اسرار نامه، منطق الطیر و مصیبت نامه)**»، مجله عرفان اسلامی(ادیان و عرفان)، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۱۵۶-۱۳۱.
- روحانی، مسعود و محمد عنایتی قادیکلایی. ۱۳۹۵ش، «**تقابل‌های دوگانه در غزلیات عطار نیشابوری**»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۴، شماره ۸۱، صص ۲۰۱-۲۲۱.

فخر اسلام، بتول. ۱۳۹۶ش، «سایه با خورشید در همسایگی (بررسی تقابل‌های دوگانه در سطح فکری منطق‌الطیر عطار)»، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۹، صص ۳۵-۴۹. یوست، فرانسوا و علیرضا انوشیروانی. ۱۳۸۷ش، «فلسفه و نظریه‌های جدید در ادبیات»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، دوره ۲، شماره ۸، صص ۵۶-۳۷.

Bibliography

- Ahmadi, Babak 2001 ,Text Structure and Interpretation, Tehran: Markaz Publishing .
Bagheri, Mehri 2014 ,History of Persian Language, Tehran: Qatreh Publishing .
Seldon, Raman and Peter Widowson. 2018, Guide to Contemporary Literary Theory, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Nashr-e Ban .
Shafiee Kadkani, Mohammad Reza 2013, The Language of Poetry in Sufi Prose, Tehran : Sokhan Publications .
Attar Neyshabouri, Farid al-Din Muhammad ibn Ibrahim. 2009, Mantiq al-Tair , Introduction, Correction and Comments: Dr. Mohammad Reza Shafiee Kadkani ,Tehran: Sokhan Publications .
Attar Neyshabouri, Farid al-Din Muhammad ibn Ibrahim. 2013, Asrarnaméh, Introduction , Correction and Comments: Dr. Mohammad Reza Shafiee Kadkani, Tehran: Sokhan Publications .
Attar Neyshabouri, Farid al-Din Muhammad ibn Ibrahim. 2013, Elahinaméh, Introduction , Correction and Comments: Dr. Mohammad Reza Shafiee Kadkani, Tehran: Sokhan Publications .
Attar Neyshabouri, Farid al-Din Muhammad ibn Ibrahim. 2013, Mosibatnameh , Introduction, Correction and Comments: Dr. Mohammad Reza Shafiee Kadkani ,Tehran: Sokhan Publications .

Articles

- Batlab Akbarabadi, Mohsen and Ahmad Razi. 2013" ,The Narrative Function of Signs in Rabia's Story from Attar's Elahinaméh ,"Textology of Persian Literature, Vol. 1 (17), pp. 13-28 .
Pournamdarian ,Taqi. 2007" ,Literary Types in Persian Poetry ,"Journal of Literary Sciences, first year, third issue, pp. 7-22 .
Hajati, Somayeh and Ahmad Razi. 2014" ,Attar's Discourse Analysis of Elahinaméh from the Perspective of Dialectical Discourse ,"two quarterly journals of mystical literature of Al-Zahra University, Volume 5, Number 10, pp. 75-107 .
Hamidi, Mehdi 1965 " ,Attar in his selected Masnavi and selected Masnavi ,"Yaghma ,18 th year, No. 12, consecutive 212, pp. 637-629 .
Khoshnoodi ,Bahram and Ahmad Reza Nazari Charoudeh and Bijan Zahiri Nav and Masoumeh Nazari Charoudeh. 2016" ,Prayers and Praises in Attar's Masnavi (Elahinaméh , Asrarnaméh, Mantiq al-Tair and Mosibatnameh), Journal of Islamic Mysticism) Religions and Mysticism), Volume 14, Number 54, pp. 156-131 .

Rouhani ,Massoud and Mohammad Enayati Qadiklaei. 2016" ,Dual Conflicts in Attar Neyshabouri's Ghazaliat ,"Quarterly Journal of Persian Language and Literature, Volume 24, Number 81, pp. 201-221

Fakhr Islam ,Batool. 2017" ,Shadow with the Sun in the Neighborhood (Study of Dual Contrasts at the Intellectual Level of Mantaghotayr Attar), Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Mashhad, No. 9, pp. 35-49 .

Yust, François and Alireza Anoshirvani. 2008" ,New Philosophy and Theories in Literature ,"Jiroft Journal of Comparative Literature Studies, Volume 2 ,Number 8, pp. 56-37.

A study of Attar's Elahinameh based on Jacobsen's theory of communication and linguistic functions

Atefeh Azizi: Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

Batool Fakhr Islam: Department of Persian Language and Literature, Department of Literature, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran
Bt_fam12688@yahoo.com

Abstract

Attar has described his perceptions and intuitions with the knowledge that he has from self, God, creation and using the unlimited power of pen and speech. The choice of language of poetry and art has helped him to express himself more effectively. Considering that he is one of the most prominent mystic poets who has had a tremendous impact on the poetry of poets after him and the popularity of his works has increased over time and centuries; This research with analytical-comparative method intends to explore this work with the aim of achieving a better and more accurate understanding of "Elahinameh "from the perspective of Jacobsen's theory of linguistic roles. A review of the book "Elahinameh "based on Jacobsen's theory of communication makes it clear that all of Jacobsen's linguistic functions can be seen in Attar's poetry .It is in accordance with these content components that the audience communicates with Attar's work, Attar knows his audience well and establishes empathetic communication with him in various ways.

Keywords :Elahinameh, Jacobsen, language roles ,receiver, message.